



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي و نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعيد افغاني: آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!



تاریخ نشر: یکشنبه ۱۵ جولای ۲۰۱۳ - هالند

### حکایت ۲۰۳

کارها را سهل نشماری که فوت دولت است

ملک اگر از دست جم بیرون نگین داری رود

« سلیم »

### معذرت شاعرانه

امیر نظام الملک نصیرالدین کبود جامه از جانب سلطان تکش بحکومت کبودجامه که منطقه ایست بین استرآباد و خوارزم، منصوب شده بود. حسودان بقدری از وی سعایت کردند که سلطان در حال خشم و غضب جمعی را فرستاد تا به کبود جامه رفته سر او را از تن جدا کنند و به پایتخت بیاورند.

هره لیکنه دلیکوال خپل نظر دی او خپله دلیکوال اند څرگندوی  
استفاده از مطالب سایت « ارگان نشراتی صلح و تفاهم مولانا سعيد افغاني » با ذکر مأخذ آن آزاد است

امیر نصیر الدین با صرفهء مبلغی خطیر توانست آن جماعت را راضی کند که او را زنده بحضور سلطان ببرند.

روزی که به پایتخت رسیدند، سلطان جشنی مفصل ترتیب داده بود و چون مشاهده کرد که فرستادگان وی نصیرالدین رازنده بحضور آورده اند نسبت بآنان در خشم شده و میخواست ایشانرا سیاست کند که چرا در اجرای حکم تأخیر روا داشته اند. امیر نصیرالدین فوراً این رباعی را سرود و بر خواند:

من خاک تو در چشم خرد می آرم

عذرت نه یکی، نه ده که صد می آرم

سر خواسته ای بدست کس نتوان داد

می آیم و بر گردن خود می آرم

سلطان را ازین رباعی بسیار خوش آمد و سر و چشم او را بوسید و تمام اسباب مجلس را باو داد و او را باز بسر حکومتش فرستاد.

سلسله این حکایات ادامه دارد ...

[www.24sahat.com](http://www.24sahat.com)

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) - بازگشت به صفحه اصلی